



خیلواکی

استقلال

www.esteqtaal.net

۲۲ اکتوبر، ۲۰۲۴

ملالی موسی نظام

حقیقت چلو صاف و بقیه قضایا

از روزگاران فرخنده متعلمی لیسۀ ملالی تاروزی که به مرقد حضرت «مولانا جلال الدین محمد بلخی» در قونیه بزیارت آن بزرگوار مشرف گردیدم، دهه های زیادی سپری گردید، ولی حقیقت عریان این بیت عالم و صوفی بی بدیل عالم بشریت با معنی ژرف آن هرگز از ذهن و خاطر دور نرفت، چونکه در مراحل مختلفه حیات اثبات اینکه هر کسی بالاخره به اصل خویش «به همنظر و همفکر خویش» می پیوندد و وابسته میگردد، بیشتر به اثبات رسید و گویا که تاریخ همواره به نحوی از انحا تکرار میگردد:

هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

مبحث چلو صاف بیرون شدن از آب که اخیراً در وبسایت ملی «استقلال - خیلواکی» منتشر میگردد، به قضایای مختلفی از تاریخ قرن بیستم افغانستان جنگ زده ویران تعلق میگیرد، میتواند با صد ها مثال مستند و حقیقی ارتباط گیرد. مبحث این سطور در مورد همکاری، فعالیت و پیوستگی حزب نادیموکراتیک و خیانتکار «خلق و پرچم» و اعضای سفاک آن و جمیع دنباله روان سخیف و ضد ملی آن میباشد. یکی از خصوصیات این روسیاهان تاریخ اینست که با اشتباهات فاحش، سرسپردگی به مفکوره و مرام سوسیال امپریالیزم ناکام شوروی جهان خوار و سابقه خوشخدمتی متداوم به سفارت آندولت در کابل، بعد از آنچه در ۴۵ سال بر ملت و مملکت عارض گردید، هنوز جهت انحراف فکری هزاران جوان غافل افغان به چنان عقاید غیر ملی از عمق باطلاق افکار پلید خود ها به ستایش و تعریف همکیشان وطن فروش خویش میپردازند! این روش غیر ملی در حقیقت پلانیست برای کتمان حقایق و بیشتر برای تحریک و انحراف فکری و عقیدوی نسل های موجوده - آینده و مردم مظلوم افغانستان، نه چیز دیگر!

آنچه نهایت قابل تشویش و تأثر است با موجودیت صد ها وبسایت و فعالیت این گروه منحرف غیر ملی، با گذشت چهار و نیم دهه بربادی ای که این گمراهان اساس گذاشتند، هنوز هم با تفاله هایی از آن عصر خونین و خیانت و جنایت وسیع ضد بشری، از ورای امکانات انترننتی، به

حمایت و توصیف همدیگر و قهرمان سازی پوشالی می پردازند. چنین فعالیت های غیر ملی که در حقیقت سبب مغز شویی دو نسل بعد از کودتای مدهش ثور گردیده و اوراق واقعی تاریخ را خدشه دار می نماید، در اثر سهل انگاری اولیای امور وبسایت های انترنتی بوجود آمده است که دوست و دشمن ملت مظلوم افغانستان را به یک چشم می بینند!

گرچه تا سالهای متمادی بعد از شکست خفتبار شوروی و فرار هزاران افغان گمراه وابسته به آن دولت اشغالگر از «دستگاه عدالت» که با هدایت روس منحوس در عصر خونین تنظیم ها و به کمک مرد چندین چهره، «احمد شاه مسعود» با اخذ پاسپورت و فرار به غرب صورت گرفت، خاینین ملی وابسته به هر دو حزب در خفا تا سالهای متمادی خاموشی اختیار نمودند!

این گروه دون همت که با شعار های مرگ بر غرب در عصر اشغال مادر وطن نعره بلند میکردند، با فرار مذبحخانه در خوان خیرات همان ممالک غربی تا هنوز هم جیره خور گردیده اند و بعد از گذشت دهه ها با ادعای وطنپرستی و افغانستان دوستی «!؟» با فریب و خدعه قلم فرسایی می نمایند!

چند ماه قبل هم در همین زمینه و اینکه عده زیادی از اعضاء و دنباله روان «خلق و پرچم» در بعضی وبسایت های انترنتی بصورت روز افزونی به فعالیت و حمایت از همدیگر و حتی از پیشقراولان آن دو حزب منحوس و غیر ملی، سخت مصروف هستند، مطلبی تحریر نمودم که چون وبسایت «افغان جرمن» را منحنیث میدان فعالیت آن گروه های منحرف مثال دادم، آقای «قیس کبیر» مدیر مسئول و گرداننده وبسایت مذکور، درحالیکه نمیشد که از موجودیت وسیع اعضای فراریان حزب «دیموکراتیک خلق» و دنباله روان گمراه آنان انکار نماید، چنین جوابی به این قلم ارائه نمود:

" برائت حالت اصلی است، تا زمانیکه یک محکمه با صلاحیت جرمی را اثبات ننماید، شخص مجرم «!؟» شناخته نمیشود."

البته اینجانب پاسخی را برای ارائه چنین مثال حقوقی بی ربط و غیر وابسته جناب شان قرض دار بوده ام که مختصراً عرض باید شود. بلی مقرر حقوقی بالا در اکثر ممالک وابسته به قانون رسمیت و اعتبار دارد، ولی در صورتیکه جرم و اتهام در یک سرزمین خاص بوقوع پیوسته باشد و متهم به اساس قواعد و اصول قانونی تحت تحقیقات و تعقیب رسمی قرار گرفته و از محکمه برائت حاصل نماید، نه اینکه با فرار به غرب از چنگ عدالت رهایی یابد! آنچه در مورد اعمال «خلق و پرچم» و دنباله روان آنها و قهرمان سازی از کجروان ملی مد نظر است، تحت اصول آتی میتواند قضاوت گردد:

یک - آنانیکه برای یک مملکت اجنبی فعالیت میکنند، مخصوصاً که مانند اتحاد شوروی متجاوز، اشغالگر هم باشد، در حقیقت خیانت ملی شان مبرهن است؛ چه که محکمه صورت گیرد یا نه گیرد؛ در غیر آن خاینینی چون **ترکی، کارمل، حفیظ الله امین و قصاب خاد، نجیب** را کی محکمه نموده است؟! آیا این اشخاص میتوانند نزد ملت افغانستان و حافظه تاریخ بیگناه شناخته شوند؟! که هرگز نشده اند!

اعضای مفکوره سوسیال دیموکراتیک شوروی به شمول مأمورین شورای انقلابی، کمیته مرکزی و تشکیلات مشابه دیگر، همچنان با اعمال سخیف ضد افغانی شان در اوراق تاریخ وطن معرفی گشته و محکوم به خیانت و جنایت گشته اند و احتیاجی به محکمه باقی نمیگذارد.

دو - تعداد زیادی که با سوابق شناخته شده و علنی وابستگی شان به رژیم که با تکیه به اتحاد شوروی وقت، به احزاب **«خلق و پرچم»** متعلق بودند، من حیث همکاران قلمی **«افغان جرمن»** پذیرفته شده اند و بصورت وسیع و روز افزون در همه ساحات فرهنگی آن منجمله فعالیت در **«قاموس»** با گردن افراشته از سوابق کاری و فعالیت ها در عصر خون و آتش اشغال افغانستان عزیز هم تمجید و قلمفرسایی می نمایند، گویا علنی به **«اصل»** خویش پیوسته و با افتخار از اعمال گذشته یاد آور میگردند!! این ها مگر دشمن ملت مظلوم، آواره، ستمدیده و بیدفاع افغان نبوده اند که اعمال شنیع و فعالیت های مخرب آنزمان شان آتشی را که افروخته است تا بحال شعله ور است! متوجه نیستید که رفقای حزبی خیانت پیشه آنان چگونه ثبت **«قاموس»** میگردند؟!

آقای قیس کبیر، انصاف هم خوب چیزی است، مگر شما این ها را که به اساس بخشش و قدرمندی اتحاد شوروی سفاک، القاب علمی انجنیر، داکتر، کانید اکادمسین، پوهاند و امثال آنرا برای خوشخدمتی به آن ابرقدرت سخیف به مفت کمایی نموده اند، نمیشناسید؟! به عوض یاد گرفتن مقرره حقوقی بیربط **«برائت»**، بهتر است وبسایت تان را از خاینین و سابقه داران **«حزبی**

خلق و پرچم» تصفیه نموده جنبه ملی و افغانی منزه به آن اعطا نمایید.... یعنی با سربلندی **«چلو صاف را از آب بکشید»**. چون ضرر را از هر جا بگیرد، منفعت است نیک میدانید که هر یکی ازین قلم بدستان با سابقه سازمانی و حزبی دقیقاً شناخته شده و دشمن مردم افغانستان بوده اند. شاید تعداد قلمزنان و گروه های غیر ملی و بد سابقه از وبسایت حذف گردند، چه بهتر! بدون شک در همه حالات کیفیت عالی همیشه بهتر از کمیت بی ارزش، افتخار آفرین بوده است!

سه - زمانیکه یکی از همکاران قلمی تان بنام **«اعظم سیستانی»** که سابقه نهایت مستند، علنی و آشکاری در عضویت مهم ترین دستگاه سیستم، یعنی **«شورای انقلابی»** دارد، از موجودی سادیک، جنایتکار و قسی قلبی چون **«نجیب الله»** به تمجید و نیکی تعریف می نماید که:

"بزرگترین خدمت داکتر نجیب، صیانت گنجینه طلا تپه است. شوروی ها تصمیم گرفته اند افغانستان را ترک بگویند، رئیس جمهور نجیب الله در شرایط حساس و دشواری «!؟» مملکت را رهبری میکند..... نخیر، مملکت را در حقیقت روسها بالای نوکران گمراه خود ها اداره میکردند و نتیجتاً از مجاهدین سر به کف افغان شکست فاحش و خفتبار تاریخی خوردند!!

«آقای قیس کبیر» وجدان تان را قاضی بسازید، آیا جنایتکاری که در خاد با ضرب تفنگ و موزه و دستان آغشته خون با قساوت مردم بیگناه شما را بیدریغ بقتل میرسانید و قبل از کودتای ثور در تمام مجالس سفارت شوروی در کابل هم حضور داشت و یکی از معتمدین اتحاد شوروی در دستگاه مخوف «کی جی بی» بود و افتخار لقب قصاب کابل را صاحب گردید، میشود با چنین تمجیدی توصیف گردد، گویا که وی واقعاً رئیس جمهور منتخب ملت مظلوم ما بوده است.... افغانستان اشغالی را مگر روس ها اداره نمیکردند.... بعد تر مگر همین خدمتگاران حلقه بگوشی چون «نجیب الله» بعد از شکست و قطع کمک های کشور بادر، دست از پا درازتر به سقوط مواجه نگردیدند!؟

بلی، «نجیب گاو» فامیل خویش را سالها قبل به هند ارسال داشته و حیات نهایت مرفهی را برای شان تدارک دیده بود، در حالیکه ملیون ها آواره افغان از مظالم آن قصاب خونخوار و گروه خائنین وابسته به شوروی وی با فقر و دست خالی ترک دیار نمودند و ملیون های دیگر هم بیگناه و بیدفاع به شهادت رسیدند!! بلی دفاع از همکیشان مروج گردیده و بگفته حضرت مولانا:

هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش * باز جوید روزگار وصل خویش**

چهار - به ارتباط موضوع شناخت دوست و دشمن مردم افغانستان، میرویم به سراغ هموطنی که نمیشود بر ناحق تاپه سیاه «خلق و پرچم» را برو زد، ولی تمجید و معرفی «حسن شرق» منحصیث یک شخصیت ملی و مردمی هم از عجایب غیر قابل باور است. آقای «واحد حیدری» دقیقاً از مهره اصلی ارتباطات روسیه به حکومت افغانستان و یک عمر فریب «سردار محمد داود خان» ذریعه شخصیت مرموز و وابسته به اتحاد شوروی که از همان آوان مسافرت «خروسچف و بولگانین» در دهه پنجاه میلادی به کابل آغاز گردید، به نیکی و مانند یک شخصیت ملی توصیف می نماید.

آقای «واحد حیدری» که گویا از داکتر حسن شرق شناخت زیادی «!؟» دارد و به حافظه و استدلال و توان قلمی «حسن شرق» حسرت هم میخورد، شاید بتواند که به سوالات مردم افغانستان در مورد شناخت و کارکرد این انسان مرموز جواباتی هم ارائه نماید:

به حکم تاریخ، «محمد حسن شرق» یکی از قدیمترین فرد افغان بود که با ارتباط «سری» با اتحاد شوروی، حتی شاید قبل از تشکیل احزاب «خلق و پرچم» منحصراً پل ارتباطی بین دولت شوروی و بعضی از اعضای دولت افغانستان فعال گردیده است. آیا وی با استدلال قوی «؟!» حاضر است که همه حقایق را که جزئی از تاریخ هفت دهه کشور است، قبل از مرگ فاش نماید؟ آیا نامبرده میتواند تشریح نماید که با نزدیکی استثنایی ای که با «سردار داود خان» داشت، چگونه از کشتار شوروی ها که فامیل بیگناه سردار را نابود نمودند، جان سالم بدر برد، طوریکه بعد از کودتای خانمانسوز ثور حتی با اعتمادی که اشغالگران روس بر وی داشتند، به مقامات عالی هم تا مقام صدارت ارتقاء یافت و تا پایان اشغال مورد حمایت کامل قرار گرفت. یا الله!

چنین است که مردم افغانستان با مطالعه سطور انترنتی با تاریخ حقیقی و مجازی کشورشان در جدال می افتند. مگر «محمد حسن شرق» باعث معرفی بسیاری از اعضای پرچم به سردار نگردید؟ گفته میشود که سالها روابط دوستانه ای که «سردار داود خان» به شناخته شدگانی چون «ببرک کارمل - اکرم عثمان - اناهیتای راتبزاد - میر اکبر خیبر» و غیره داشت همه روی ذهنیتی بود که «حسن شرق» وظیفته در باورمندی سردار مذکور از آن کجروان خلق مینمود.

آنچه را «محمد حسن شرق» در طول حیات کاری و در نزدیکی طولانی فوق العاده با «سردار داود خان» مرتکب گردید، دقیقاً از نگاه ارتباط و تأمین پلان های غیر ملی اتحاد شوروی وقت، منحصر به فرد و نهایت خیانت کارانه بوده است. بنابراین، درست است که «حسن شرق» عملاً دست به کشتار ملت افغانستان نزد، همانطور که عملاً «ببرک کارمل - نور محمد ترکی - حفیظ الله امین» و امثال آن خیانتکاران ملی ظاهراً چنان نکردند، ولی مگر آنان دقیقاً باعث نگردیدند که ملیون ها افغان بیدفاع به شهادت برسند و ملیون های دیگر آواره شوند... بلی تا الآن میبینیم که این تراژیدی قرن تا قرن دیگری کشانیده شده است که مسبب چنین فجایع غیر بشری در پهلوی آن خیانت پیشگان، بدون تردید شخص مرموزی به نام «محمد حسن شرق» هم بوده است.

بلی همانطور که به فرموده مولانای بلخ، از زیردار گریختگان «خلقی و پرچمی» با پیوستن به اصل خودها یکبار دیگر در سنگر دفاع از افکار همدیگر و پیشقراولان برپادی کشور و وابستگان به دولت سوسیال امپریالیزم مخوف اتحاد شوروی وقت قلم فرسایی می نمایند.... قهرمان های پوشالی و جنایت پیشه ای چون «نجیب گاو» سر از نو خلق میگردد تا انحراف ذهنی نسل های بعدی حاصل گردد. آیا این تلاش های غیر ملی مذبحخانه نمیتواند حقایق تاریخی یک سرزمین را خدشه دار نماید؟! هیئات!

پایان